



آموزش بعد از پرورش

ندانیم حداقل از اهمیت ویژه‌ای در تحول برخوردار است. عده‌ای از متخصصین بر این عقیده‌اند که آموزش به تنهایی نمیتواند کلیه مشکلات عمیق آدمی را حل کند ولی نقش آن اساسی است.

جان فیشر، رئیس کالج تربیت معلم دانشگاه کلمبیا توصیه‌ای دارد که بیقراری فعلی چیزی جز حرکت بسوی تحول نیست و سپس اضافه میکند: ما در مراحل مقدماتی یک تعریف مجدد از مقاصد و وظایف آموزش و پرورش در جامعه هستیم و قبل از اینکه کار به اتمام برسد بایستی

در جهت‌یابی به نظام آموزش فرهنگی عمدتاً "مسائل مختلفی قابل ملاحظه‌اند که بعضاً مورد نظر قرار گرفت. اینک به سایر مسائل توجه میدهیم.

طرح کلی مسائل مسئولیت مسئولان آموزشی را در صورتیکه متعهد به تحول بنیادی نظام باشند متوجه خواهد ساخت که امروز بویژه در یک جامعه اسلامی نظام آموزش و پرورش موجود قابلیت فرهنگی ندارد، لذا باید هرچه دقیقتر در منحول ساختن آن از هر جهت اقدام نمود. اگر نظام آموزشی را در تحول فرهنگی کافی

عدم قابلیت فرهنگی در نظام آموزشی جدید رکود مدارس و مراکز آموزشی

و انسانی مهیا سازد .

محقق دیگری بنام سیدنی مارلند جویز ، همین مسئله را در بیانی دیگر اظهار داشته است . او میگوید :

آموزش و پرورش باید راههای انسانیت را نشان دهند تا بتواند جوابگوی نیازها ، امیدها و علائق فرد باشد . بعضی دیگر از این محققان به نقد از سیستم های آموزشی برخاسته اند که از جمله می توان به نقد سیلبر من ، که از منقدین میان سهرو مسائل آموزشی است و نقد اخیر او بسیاری از محافل آموزشی را بخود جلب کرده است اشاره کرد .

نه تنها در باره کیفیت طرز کار موسسات آموزشی موجود تجدید نظر کنیم ، بلکه همچنین ایسن مسئله که چگونه تسهیلات آموزشی چه کهنه و چه نو میتواند به بهترین وجهی مورد استفاده قرار گیرد تا امکانات فردی را بالا ببرد و به میدان و مفهوم زندگی انسان وسعت بخشد باید مورد نظر باشد .

ماری دولان ، از دیگر محققانی است که با طرح "آموزش و پرورش یک ناراضی دائمی" بیان میدارد که در یک جامعه تکنولوژیک پیشرفته ، سیستم آموزش و پرورش نه تنها باید شاگردان را برای امرار معاش ، بلکه برای یک زندگی خلاق

وهمچیز نسبت به مدرسه سنجیده می شده ولی امروز بتدریج مدرسه اهمیت خود را از دست می دهد، یعنی خارج از مدرسه مراکز و وسایلی پدید آمده است که در پیدایش و گسترش علوم و اطلاعات بمراتب بیشتر از آموزشگاه و نظام رسمی آموزش اثر و اهمیت پیدا کرده است.

نتیجه آنکه مدرسه در وضع و کیفیت سنی با نیازمندیهای زمان قابل انطباق نیست. این امر اخیراً در یکی از گزارشات یونسکو اعلام گردید

سیلبر من، در مورد مدارس و مراکز آموزشی اظهار داشته که، مدرسه مکانی کسل کننده شده است و خالی از نشاط است و از لحاظ فکری بی فایده است.

او از روشهای آزاد، کلاس درس و سایبر آموزشهای غیر رسمی (۱) نیز طرفداری نمی کند و معتقد است که اگر آموختن ناشی از علاقه باشد مفیدتر و موثر است.



انسانی و مفاهات ترکیبی
مع علوم انسانی

که ۸۰٪ اطلاعات و معلومات دانش آموزان از خارج از مدرسه بدست می آید و فقط اندکی از آنچه در مدرسه می آموزند در زندگی بکار می آید از این رو در میان کودکان و نوجوانان احساس اتلاف و قوت روز بروز بیشتر قوت می گیرد.

به همین جهت امروز یکی از مشکلات مسئولان آموزشی مبارزه با افت تحصیلی drop-out است.

این امر نیز مسلم شده است که آموزش امری است

سیلبر اضافه می کند که مدارس باید مراکز کاوش و تحقیقات انسانها گردد نه فقط محل انتقال معلومات و اطلاعات یکطرفه.

او مخالف آموزش عمومی نیست، بلکه با ماهیت آن مخالفت دارد و در این باره نظر می دهد که آینده نیاز به توده های روشنفکر ندارد، بلکه نیاز به توده های تحصیل کرده دارد، توده هایی که هم احساس داشته باشند وهم تفکر وهم عمل تاکنون مدرسه مرکز و اساس تعلیم و تربیت بوده

مربوط به تمام دوران حیات انسانی که در تمام موارد هم عملی است، زیرا هر تماس و مراددهای در زندگی اجتماعی نوعی آموزش است و غیر از مدرسه صدها وسیله آموزشی دیگر وجود دارد که میتواند با انگیزه و اثر عمیق تری در فرد موثر باشد.

کم شدن رغبت و ذوق تحصیلی در جوانان ناشی از اینست که بموازات گسترش بی سابقه معارف و اطلاعات بشر در دوران معاصر، نظام آموزشی را پیشرفت و تحول مناسبی نداشته است و اگر دقت کنیم می یابیم که این نظام در طول بیش از صد سال عملاً تغییر چندانی نکرده است.

تمامی نظام آموزشی اینست که انسان را حتی در عالیترین مراحل تحصیل بصورت کودک و انسان نابالغ در نظر بگیرد و عملاً "سدهای در راه رشد شخصیت وی ایجاد کند."

نظام مزبور اجازه نمی دهد که نوجوان و جوان خود از راه فعالیت و تجربه مسائل زندگی را دریابد و بدین ترتیب چنان نظامی نه تنها حس ابتکار و خلاقیت را در او تقویت نمی کند، بلکه چه بسا مانع از رشد و نمو آن نیز میگردد.

چند سال پیش در فرانسه هیاتی مامور شد تا درباره مدارس " دبستان و دبیرستانها " مطالعه نماید هیات مذکور پس از مطالعه نتایج حاصله خود را چنین اعلام کرد:

به گفته ۷۷٪ از معلمان دانش آموزان معتقد نیستند به اینکه دروسی که می خوانند و برنامه های که دارند واقعا " مفید است . آنان یک حالت ملال و بی اعتنائی نسبت به آموزش و برنامه های آموزشی از خود نشان می دهند و این حالت ازادگی و تنفر حتی موجب عملیات خشنی نیز شده است .

در ادامه این گزارش آمده، چندی پیش در فرانسه کودکی در ساعت بعد از تعطیل، مدرسه ای را آتش

زد و ۲۱ دانش آموز در آتش سوزی طعمه حریق شدند. البته آن دانش آموزان میدانست که بعد از تعطیل مدرسه گروهی در طبقه فوقانی درس موسیقی دارند، این کار او یک عمل اعتراض آمیز نسبت به مدرسه بود. زیرا در آن مدرسه هراتفاقی که می افتاد بگردن او می انداختند و میگفتند او مقصر است.

در اعترافی این کودک گفته بود، که مدرسه و معلم همه را دشمن خود می دانستم و برای من مدرسه زندان بودمی خواستم نشان بدهم که نسبت به این زندان چقدر حس انتقامجویی دارم.

بعد از آن در طول ۱۵ روز در حدود ۱۶ تا ۱۷ آتش سوزی در مدارس دیگر فرانسه رخ داد. اینگونه وقایع که در حقیقت ناشی از نوعی نارضایتی پنهانی و ناراحتی است توجه می دهد که در چنین روابطی تا چه حد هوشیاری خاص باید وجود داشته باشد.

در قسمتی دیگر از گزارش آمده که وضع برنامه های خشک و جامد درسی عامل اصلی ناراحتی دانش آموز بوده است. مضافاً " برای آنکه برخورد مدرسه و تلویزیون با هم، حیثیت و اقتدار معلم را دچار تزلزل کرده است. و تصویر والای معلم در نظر شاگردان نشکسته شده است، بخشی که وضع روحی معلمان هم بهتر از شاگردان نیست. یعنی آنان نیز طریقه همدلی و همفکری را نه با شاگردان می دانند و نه با همکاران خود، و نتیجه اینکه باید در فکر مدارس کاملاً " متفاوتی بود که در آنجا اصولاً " برنامه و مفهوم انضباط و ساعت کار بنحو دیگری باشد.

در گزارش دیگری که از مدارس آمریکا بدست



پاسخگو

عمل را از بین ببرد شما چه پیشنهادی دارید؟

۳- سعی کرده‌ام که در هر خورد با دانش‌آموزان منانت و وقار خود را حفظ کنم و در مواردی خیلی جزئی دانش‌آموزان به من اعتماد دارند ولی از برخورد با نارسائیهائی که دانش‌آموزان بروز می‌دهند وقتی جویای علت می‌شوم از گفتن حقیقت ترس دارند و در واقع من را محرم رازهای خود نمی‌دانند و با طرح چند دروغ مسئله را حل می‌کنند.

۴- در بعضی از مواقع اتفاق افتاده که وقتی با دانش‌آموزان درباره علت رکود تحصیلی صحبت میشود آنها قول می‌دهند که در وضع تحصیلی خود تجدید نظر کنند و طوری قول می‌دهند که من حس می‌کنم که از صمیم قلب قول می‌دهند و به آن عمل می‌کنند ولی این قول نایک روز است هیچ گونه تغییری حاصل نمی‌شود چه باید کرد که دانش‌آموزان به قولی که می‌دهند برای همیشه پل بند باشند؟

۵- یک خصوصیت کلی دانش‌آموز ابتدائی بخصوص در مدارس روستاها که برای من و همکاران مشکلاتی را فراهم آورده این مسئله است که اکثر آنها دانش‌آموز طبق برنامه هفتگی خود کتاب رانمی‌آورد و به طور کلی در هر ساعت ما با این مشکل مواجه هستیم که ۲ یا ۳ نفر کتاب درسی یا دفتر چه خود را یادشان رفته‌است که به مدرسه بیاورند در این مورد چه پیشنهادی دارید.

آموزگار محترم از قمه چند سؤال کرده‌اند و چون طرح این سئوالها و جوابها می‌تواند برای همه مربیان مفید باشد لذا اقدام به درج آن می‌نمائیم.

از سال گذشته که مجله پیوند را مشترک شده و آن را مطالعه می‌کنم علاقه وافری به مقالات آن پیدا کرده‌ام و در واقع راهگشای بسیاری از مشکلات من در امر تعلیم و تربیت است که از این بابت به سهم خودم از رحمت شما تشکر می‌کنم. سئوالات و مشکلاتی دارم که ضمن طرح آنها از شما خواهشمندم که این حقیر را در حل این گونه مشکلات راهنمایی فرمائید. یقین دارم که راهنمائیهای استادانه شما می‌تواند در امر تعلیم و تربیت کمک موثری باشد.

۱- اگر آموزگاری در بدو ورود به یک دبستان در کلاس اول تدریس کند و تا کلاس پنجم با همان دانش‌آموزان تدریس خود را ادامه دهد آیا نتیجه و بازده کار بهتر است یا اگر هر سالی یک کلاس را تدریس کند؟

۲- شما از قدرت و نفوذ معنوی معلم در مقالات خود صحبت کرده‌اید ولی ما هر چه سعی کرده‌ایم نتوانسته‌ایم دروغ را که یکی از خصوصیت بد دانش‌آموزان ابتدائی است از میان ببریم و متأسفانه دانش‌آموزان ابتدائی همگی دروغ می‌گویند و هیچیک از اقدامات نتوانسته است این

با سخا طبع رفیق سزوات تنظیم شده است
۱- اگر در یک کلاس شخصی پیدا کنید بهتر
است.

۲- اگر شاگرد اطمینان داده شود که در صورت
واقع گوئی تنبیه نمیشود و کتک نمیخورد بطور
قطع راست خواهد گفت مگر آنکه به دروغگوئی
عادت کرده باشد که در این صورت باید بازسازی
شده بجای آن عادت بد عادت در راستگوئی
حایزین شود.

۳- سعی کنید با ابراز علاقه و دلجوئی
و ویژگیهای یک انسان نمونه زمینه حسد
و انتقام را فراهم آورید.

۴- قول دادن شاگردان باید مورد احترام
باشد ولی باید حلیت رکود را تقاضای کرد.
۵- با تقویت فرهنگ شاگردان می توان کاری
کرد که کتاب را همه بیاورند.

برادر محترم آقای مهدی - خراسان

مشکل شما با مناست. لطفاً و بیشتر با من
بوسیله خود شما حل شود. این موضوع معمولاً
اوائل اردیبهشت پیش می آید و بزودی رفع میشود
ولی در هر حال اگر باز ادامه یافت می توانید به
پزشک متخصص اعصاب و روان مراجعه فرمائید.

برادر گرامی آقای رحیم مرطوبی - ستهران

ریاضیهای خوب و عارفانه آن دوست باوقار را
مطالعه کردم و در شکیته تحریریه بررسی
میشود. امیدواریم در زمینه تعلیم و تربیت با ما
همکاری فرمائید تا بیشتر در راستای اهداف محله
پیوند باشد.

خواهرم . ف. ب. ۱۹ ساله دیپلمه - اصفهان

همانطور که خود نوشته اید لازم می بود اینس
عادت شما (تست مکیدن) خاموش میشد و از بین
مصرف وقتی که زیاد عصبانی میشوید از اینس
عادت بعنوان یک مکانیزم دفاعی و درجه نخلیه
خشم استفاده میکنید.

حالا اگر اینکار جزئی میباشد و موجب سائیدی
بوست آنگشت شما نمیشود در بهبود سریع عجله
نکنید بلکه با کاهش عصبانیت از طریق آگاهیهای
بیشتر مقابله کنید و در فرصت مناسب با
روانشناس رفتار گرامشورت نمائید.

خواهر خانم فوازی - شیراز

نامه بزرگیت و مفصل شما بدست ما رسید و از
مطالب آن اینطور برداشت میشود که با علاقمندی
مسائل تربیتی را فرا گرفته و به عجله پیوند مثل
بسیاری از خانواده ها دلبستگی دارید.
اما در خصوص سئوالات شما:

اولاً " ماهم معتقدیم قبل از آنکه تحصیل
(عادت ماهیانه) در دختران ظهور و آنها را
وحشت زده نماید قبلاً" توسط مادران و مربیان
مغرب بازگو شده و آمادگی های لازم به آنها داده
شود.

ثانیاً " واقعیت اینست دستگاه ویدئو امروز در
همه شهرهای بزرگ و کوچک جهان وارد شده اما
مهم اینست که نوارهای تازه پدید شده و تربیتی
و آموزنده نشان دهد. اکنون چند نوار خوب
در انجمن مرکزی موجود است و امید می رود در
آینده تعداد آنها بیشتر شده و در اختیار
خانواده ها قرار گیرد.

ثالثاً " درد دل شما مورد توجه ما میباشد و
پیشهادات مفیدتان را هم به مسئولین منعکس
خواهیم کرد.

کهنشست و نوزدن



که ما آن شخص را جدا از یکنفر سفید پوست می-
بینیم ، خود این توجه تبعیض آمیز هست .
همینطور است زمانی که بخواهیم در جهت لطف
به زنان آنها را جدا کرده و موضوع جداگانهای را
در یک سمینار یا آنها اختصاص دهیم که امیدوارم
تعیین عنوان بهداشت روانی زن در این سمینار

وقتی در جامعه متوجه سیاه بودن کسی میشویم
حتی اگر بخواهیم با نظر خوب و انسانی و در
جهت کمک باو بنگریم این خود نشان میدهد

دکتر اقبال طاهراز

این معنی و مفهوم را نداشته باشد. علی‌ایحال به تناسب موضوع سخنرانی تعیین شده من خود را مفید با اختصاص بحث در زمینه بهداشت روانی زن احساس میکنم لیکن این نکته را از ابتدا باید روشن کنم که بهداشت روانی زن نمیتواند جدا از کل بهداشت روانی سایر افراد جامعه مورد بررسی قرار گیرد و بهداشت روانی زنان را باید در تمامیت زیستی، خانوادگی و اجتماعی آنان مورد بررسی قرار داد.

علم روانشناسی امروزه موافق با طبقه‌بندیهای غیر قابل انعطاف و ویژگیها برحسب جنس افراد نیست و اعتقاد بر این دارد که بین زنان و مردان بغیر از جنبه فیزیولوژیکی، اختلافات قابل توجهی، اگر موجود باشد ناشی از اختلافات فردی است نه اختلافات جنسی، زیرا که مرد و زن هر دو از یک طبیعت انسانی برخوردار هستند. در رشد روانی زن بلاتدرید تاثیر عوامل بیولوژیکی و اجتماعی، فرهنگی قابل بحث و بررسی است. از نظر بیولوژیکی دختران بعد از تولد همانند دوران زندگی جنینی از مقاومت حیاتی بیشتری نسبت به پسران برخوردارند. تحقیقات شفیلد نشان میدهد که مرگ و میر دختران تا سن ۱۵ سالگی کمتر از مرگ و میر پسران است. دلیل این اختلاف راناشی از سازمان کروموزومی میدانند که جنس نر از حساسیت بیشتری برخوردار است و کروموزوم X که مربوط به جنس مونث است مقاومت از کروموزوم جنس نر میباشد. بلوغ در دختران زودتر از پسران ظاهر میشود. بیماری در زنان بیشتر و مرگ و میر آنان به نسبت مردان کمتر است میزان بیماریهای زنان بدون در نظر گرفتن ناراحتیهای مربوط به *menstration* و حاملگی ۲۰

درصد بیشتر از بیماریهای مردان گزارش شده است با این حال زن از لحاظ مقاومت در برابر بیماریها نسبت به مردان از قدرت بیشتری برخوردار است. این سازش و مقاومت در برابر بیماریها احتمالاً ناشی از تغییرات دائمی درونی است که ارگانسیم زن در طول مدت *period* و حاملگی با آن مواجه است. وزن متوسط مغز زن ۱۲۲۰ گرم و مغز مرد ۱۳۲۰ گرم است که میدانیم وزن مغز به تناسب قد و وزن سنجیده میشود که اگر این نسبت در نظر گرفته شود وزن متوسط مغز زن بمراتب بیشتر از مرد است.

در تحقیق مقایسه‌ای که بر روی تعداد مراجعہ کنندگان بیمارستانهای روانی در چند کشور اروپایی بعمل آمده است و در ایران هم بررسی شده و نتیجه یکسانی داشته است ملاحظه شده که بیماریهای روانی، پسیکوزها در زنان کمتر از مردان شایع است و در زنان بیماریهای عصبی نوروزها بخصوص نوروز افسردگی در زنان به دلیل شرایط خاص بدنی و اجتماعی است. بدیهی است مسائلی از قبیل حاملگی، زایمان، تغییرات خلقی دوره *period* در ایجاد افسردگی زنان موثر است آمار خودکشیها نشان میدهد که زنان بیشتر از مردان دست بخودکشی میزنند بعبارت دیگر عوامل محرکه و انگیزه خودکشی در جنس زن بیشتر است لیکن بهمان نسبت عقب‌نشینی زنان در مقابل انجام این امر بیشتر گزارش شده است و نسبت خودکشی‌های موفق در مردان بیشتر از زنان میباشد.

در مورد تاثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی در وضعیت روانی زنان، تاریخ تمدن تصویر کاملی از تحول نقش زن میدهد. در نزد قبایل بدوی زن در شرایط ناساعدی صرفاً " بمنظور عمل تولید مثل در نظر گرفته میشده، تنها وظیفه اش رسیدگی

به‌امور داخلی خانواده بود عملاً" در هیچیک از امور دخالت داده‌نمیشد. بعد بمرحله کشاورزی میرسیم که زن نقش مهمتری پیدا میکند و بعد بمرحله صنعتی و غیره که مجال و فرصت بحث درباره آنها نیست. خلاصه آنکه در سیر تاریخ در مورد نقش زن تغییرات و تحولات بیشماری حادث شده است. کلاین برگ معتقد است نقش‌ها و الگوهای جنسی از بدوی‌ترین اشکال آن که زن بعنوان ملک پدر و سپس ملک شوهر در نظر گرفته می‌شود تا اشکال پیشرفته‌آن که زن از مقام و موقعیت اجتماعی برخوردار است به وضع رژیم حاکم مربوط است. ملگارت مید در تحقیقات وسیع خود نشان می‌دهد که خلق و خوی افراد متأثر از فرهنگ جامعه است. وی ضمن مطالعه سه جامعه ابتدائی گینه جدید به اختلافات چشمگیری برخورد کرده‌است. در قبیله آرایش زنان از اخلاق و روحیه ملائیم و حساس برخوردار هستند و اداره خانواده برعهده آنهاست.

در مشرق زمین، اطاعت زن از مرد و خشونت و پرخاشگری مرد رفتاری قابل قبول تلقی می‌شود. پس می‌بینیم فرهنگ می‌تواند در محدوده‌های خیلی وسیع آنچه می‌خواهد از هر یک از دو جنس بسازد. تاثیر مراحل اجتماعی شدن و تعیین نقش مربوط به جنسیت در رشد روانی زن را نباید نادیده بگیریم. جامعه با قبول جنس بیولوژیکی کودک در عین حال نوعی ارزشهای روانی - اجتماعی را بر او تحمیل میکند. والدین با ملاحظه اینکه فرزندشان دختر یا پسر است نوعی جهت‌گیری کرده‌و به کودکان نیز همین رایاد می‌دهند. اختلاف در نوع و طرز پوشاک دختران نوع بازی‌ها، انتخاب اسباب بازیها از همین جهت‌گیری‌ها ناشی می‌شود. در مورد تاثیر

عوامل اجتماعی فرهنگی سیمون دوبوار عقیده دارد که انسان زن بدنیا نیاید بلکه زن می‌شود این نظریه افراطی بنظر میرسد. ما بی‌آنکه منکر تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی شویم در عین حال مجبوریم قبول کنیم که محیط هرگز طبیعت انسانی را معین نمی‌کند و با قبول این امر به بحث درباره بهداشت روانی در دوران مختلف و حساس در زندگی زن می‌پردازیم که مهمترین آنها دوران بلوغ، بارداری و یائسگی است.

دوران بلوغ از نقطه نظر تغییرات روانی حائز اهمیت است. دوران بلوغ در دختران دوره بحران، هیجان و تغییر و تحول شخصیتی است. دختران نوجوان از نظر روانی دارای وضع خاصی می‌باشند آنان نه مانند کودکان فکر میکنند و نه اندیشه و افکارشان همانند بزرگسالان است. هر چند از حیث جسمانی و ظاهری از گروه کودکان خارج شده‌اند ولی از نظر روانی هنوز کامل و بالغ نشده‌اند. در بعضی مواقع دارای منطقی و استدلال نسنجیده و ضعیف هستند. دوران بلوغ دوران نیاز به تفاهم و حمایت در خانواده و مدرسه است احساس کمبود محبت، عدم رابطه دوستانه و تفاهم آمیز در محیط خانه و مدرسه ممکنست دختران نوجوان را براههای منفی بکشاند. در بعضی از جوامع با شروع بلوغ جسمانی دختران که بین ۱۱ تا ۱۴ سال است مسئله ازدواج و تشکیل خانواده مطرح می‌شود لیکن در کشورهای دیگر بعد از بلوغ جسمانی پختگی فکری و بلوغ روانی جهت تشکیل خانواده معیار قابل ارزشی بشمار می‌آید.

پیشنهاد خاص من بعنوان یک، دکتر روانشناس بالینی و کسی که سالیانی چند در رشته روان درمانی مطالعه و تجربه کسب کرده‌است اینست که روشی اتخاذ شود که گواهی سلامت روانی در هنگام ازدواج همانند گواهی سلامت

جسمانی الزامی گردد. بطور مثال دختر ۱۳ ساله‌ای که مبتلا به شب‌اداری بوده ازدواج کرده و در هفته اول کار منجر به طلاق میشود یا دختری که اختلال شخصیتی داشته شوهر میکند و بعلاوه عدم سازش با مادر شوهر و خواهر شوهر نمیتواند بکجا زندگی کند کار منجر به طلاق میشود و موارد بیشمار دیگری که روان درمانی آنان قبل از ازدواج میتواندست. شکی نیست که اگر این افراد ابتدا درمان شوند بعد از درمان شرعا و قانونا "هم‌کسی جلوی ازدواج آنها را نمیگیرد".

در دوران بارداری نیز از طریق رعایت اصول بهداشت میتوان در ارتقاء سطح بهداشت روانی زنان تلاش نمود. تحقیقات بیشمار در مورد علل سقط جنین و علل نوزادان مرده بدنیا آمده یا معلول بعمل آمده که نشان میدهد ضربات ناگهانی، مصرف داروهای نادرست در دوران بارداری، تاثیر اشعه رادیواکتیو بر روی جنین وجود بیماریهای ارثی، ازدواج‌های خویشاوندی و فامیلی، نگرانی و اضطرابات دوران بارداری و بالاخره انجام زایمان در زیر سن ۲۰ سالگی یا بالای ۴۰ سالگی از جمله دلایل عدیده در بروز مشکل بوده‌اند. چنانچه مراکز مشاوره روانی خانواده داشته باشیم میتوانیم زنان را درباره اینگونه مسائل آموزش دهیم. به درمانگاههای ما صرفا "نباید بیمار مراجعه کند تا آنجا که می‌توانیم مشاور مردم باشیم. همچنین مراکز مشاور ژنتیکی در مورد بیماریهای ارثی که در ازدواج‌های خانوادگی ظاهر میشود و منجر به تولد کودک معلول میشود میتواند کمک موثری به خانواده‌ها بالاضحای به مادران باشد.

در دوران بارداری مسائل عاطفی و روانی مادر لازم است مورد توجه قرار گیرد. آرامش خاطر و

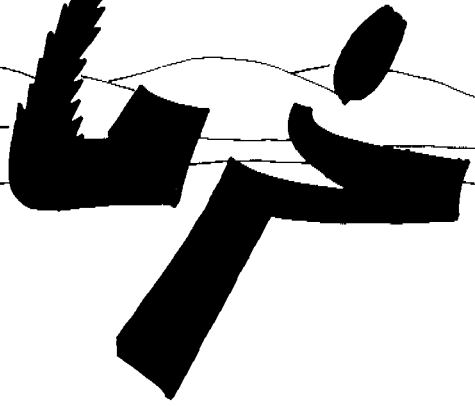
امنیت زن در این دوره مهم است. ترس و اضطراب از زایمان بخصوص در میان زنان جوان ترس از تولد نوزاد عجیب‌الخلقه، برخی اوقات ازدواج‌های اجباری، بی‌توجهی و بی‌اعتنائی همسر و اطرافیان نسبت به مسئله بار داری مشکلات داشتن هوو و داشتن فرزندان متعدد احتمالا "از مادران مختلف وزندگی آنان در یک محل، خشونت نبودن پدر و مادر از داشتن فرزند بعلاوه اقتصادی، ترس از اینکه جنسیت نوزاد دلخواه اطرافیان نباشد، هریک میتواند اضطراب و نگرانی مادر را افزایش دهد. هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها وقتی مژده فرزند دختر داده میشود رنگ رخسارشان سیاه میشود و دل‌تنگ و خشمناک میشوند. توصیه‌های بهداشت روانی در مواردی که زنان دوران بارداری و یا حتی بعد از زایمان را طی میکنند اینست که اطرافیان و بخصوص همسر با محبت و توجه احساسات زن را درک کرده و نقش حمایتی و پشتیبانی خود را فراموش نکنند. نتایج تحقیقات نشان داده‌است که ۲۰ الی ۴۰ درصد از زنان پس از زایمان دچار اختلالات عصبی و یا روانی میشوند. ناگفته نماند که این اختلالات در زنانی که زمینه مناسبی دارند زیادتر دیده میشود. نوروز افسردگی بعد از زایمان در زنان بسیار رایج است که بعضی از آنان گذرا بوده و برخی دیگر نیاز به درمان داروئی و روانی طولانی‌تری دارند.

همچنین این موضوع مهم است که زن طی دوران بارداری و شیردادن غذای کافی مصرف کند. در اینجا مغز بعنوان یک عامل اجتماعی ممکنست مشکلی بر سر راه باشد که باید امکانات رفاهی جامعه بتوانند این سرویسه را فراهم نمایند. یکی دیگر از مراحل حساس در زندگی زنان



دوران یائسگی بشمار می‌رود . در دوران منوپوز که معمولاً ۴۵ سالگی بعد است اختلاطی از واکنش‌های فیزیولوژیکی و روانی دیده می‌شود . منوپوز ناشی از عدم فعالیت تخمدانها و کم شدن هورمون فولیکولین است . زنان با شخصیت متعادل راحت‌تر و بهتر از افرادی که دارای شخصیت بورونیک یا سایکاتیک هستند با این مسئله تطابق مینمایند . اغلب سندرم یائسگی را بواسطه اختلالات غدد ترشحه داخلی میدانند ولی باید اذعان نمود که قسمت اعظم آن بخصوص نوروژها و اختلالات روانی ناشی از دوران یائسگی معلول علل روانی است . در این دوره گاهی علائم اضطرابی و افسردگی و عصبانیت در رفتار و اعمال زن تاسر حد واکنشهای نورنیک پیش می‌رود . ملانکولی یائسگی شایع‌ترین کسالت در این دوره است . و یس وانگل در مطرح کردن مسائل این گروه معتقد هستند هنگامی که منوپوز حادث می‌شود یعنی تمام چیزهایی که نشان‌دهندهٔ مادریت آبتستی و سایر مسائل وابسته بدان است قطع گردد و واکنش گروهی از زنها بصورت ناراحتی و اضطراب احساس یاس و نومیدی و حساسیت و افسردگی است . واکنش گروه دیگری از زنان ممکنست بصورت مبارزه و ستیزه جوئی باشد . با این تصور که میتوانند جوانی خود را حفظ کنند . نتیجه این ستیزه‌جوئی با طبیعتی که بهر تقدیر با آنها تحمیل خواهد شد چون بی‌حاصل است باز هم منجر به افسردگی و نومیدی میشود . اختلالات موقتی دوران یائسگی با استفاده از هورمونهای جنسی کاهش می‌آید . بهترین درمان از طریق خود شخص است و پذیرفتن این پدیده با خوشبینی در مورد بهداشت روانی زن این مطلب صحیح است که با تسهیلات بهداشت عمومی و رعایت

اصول بهداشت روانی در دوران بارداری و زایمان میتوان از بسیاری از اختلالات روانی پیشگیری نمود ، لیکن تأمین بهداشت روانی زن نیازمند اقداماتی است که باید در محیط روانی خانواده ، و محیطهای اجتماعی از قبیل مدارس ، ادارات ، کوجه و بازار و محلات جامعه صورت بگیرد . بهداشت روانی با ابعاد وسیعی که دارد حقوق انسانی را نیز شامل میشود . داشتن یک اجتماع سالم مستلزم امنیت و عدالت اجتماعی است . عدالت اجتماعی زمانی در یک جامعه به معنای واقعی آن تأمین می‌گردد که همه افراد جامعه مجرد از جنسیت و صرفاً به حکم انسان بودن مورد عنایت قرار بگیرند . در جوامعی که زن در درجه دوم اهمیت قرار دارد به سختی میتوان از بهداشت روانی زن سخنی به میان آورد . در قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۳۴ زن به عنوان شریک مرد در انسانیت و حقوق انسانی مطرح شده است . امید است که دستورات قرآنی در عمل و اجراییزیدرستی پیاده شود . بر اساس آمار موجود نیمی از جمعیت ایران را زنان در مقاطع مختلف سنی تشکیل میدهند . ۲۰ میلیون جمعیتی را که نیمی از اجتماع ما را تشکیل داده و نیمی دیگر از باقیمانده جمعیت را باز او تشکیل میدهد باید بخوبی شناخت خواسته و نیازهای روانی و رفاهی گروهی را که ادامه نسل انسانی بدستش سپرده شده است باید تا سر حد امکان فراهم نمود . اولین نیاز زن مانند هر انسان دیگر نیاز به احترام است . جامعه‌ای که در راه حق و عدالت و حقیقت مبارزه میکند باید روشی اتخاذ کند که خشونت‌ها و کج رویها را در این محیطها بحد اقل برساند زیرا که خشونت در هر شرایطی زشت‌ترین چهره اخلاق بشری است که میتواند بهداشت روانی همگان از جمله زنان را بمخاطره بیندازد .



در روز آهسن خون انسان تامین می‌شود میدانییم که آهن ترمیم کننده و سازنده گلبولهای قرمز است بنابر این برای جلوگیری و درمان کم خونی می‌توان مورد استفاده قرار داد . چنانکه نبی گرامی می‌فرماید به زنان زانو خرما بخورانیید همانگونه که حضرت مریم دستور داده شد بعد از زایمان خرمامل نماید ."

چون بعد از زایمان قدری خون از بدن بیمار دفع میشود بهترین منبع رساندن خون به بدن خرما است ."

پرفسور " دلپه " عقیده دارد که کمبود منیزیم سرطان می‌آورد خرما در تنظیم فشارخون نیز دخالت دارد. بنابر این ملاحظه فرمودید که این میوه خیلی ارزانتراز خون دارو و هزینه‌های درمانی است .

کودکان و نوجوانان را عادت دهیم تا بهتر مصرف کنند .

تذکر: در شهرهایی که خرما نمی‌روید ساکنین آن شهرها نباید در مصرف خرما زیاده روی نمایند و حد اعتدال را رعایت کنند چون ممکن است افراط در مصرف خرما باعث زخم دهان، درد دندانهای پوسیده، خارش بدن، ناراحتیهای کبدی شود .

رضا فرخ پور لنگرودی

و جوانان یک ماده غذایی جامع و انرژی دهنده است .

۲- این میوه با داشتن ویتامین A برای تقویت بینائی ، سلامتی پوست ، بهداشت مو و ناخن ، حفظ صحت دهان و بینی و چشم و تقویت سلولهای کبدی فوق العاده مفید است .

۳- این میوه شیرین برای رشد اندامهای بدن اطفال و نوجوانان بسیار مفید است .

۴- گروه ویتامین B موجود در خرما برای تولید و انتقال انرژی برای نمو جنین ، برای سوخت و ساز مواد پروتئینی و جذب فندها ، برای نمو جنین ، برای تسکین سرفه، رفع اخلاط خونی و ناراحتیهای سینسه اثر شفا بخش دارد .

۵- تحقیقات علمی نشان داده است که در هر ۱۰۰ گرم خرما ۳ تا ۶ میلیگرم آهن یافت می‌شود بنابر این با خوردن چند عدد خرما

خرما میوه‌ایست خوراکی خوش طعم و شیرین که در ردیف غذاهای سهل الهضم و مفید قرار گرفته و درخت آن بنام نخل موسوم است و در بعضی نواحی مرکزی ایران ، یزد ، قصر شیرین اهواز ، آبادان ، کرمان ، بسم و بلوچستان پرورش داده میشود و برای استفاده انسان و جلسب توجه و مصرف آن در قرآن کریم به آن اشاره شده است . در خرما مواد حیاتی و غذایی زیر یافت می‌شود ویتامین A ، ویتامین B₁ ، B₂ ، B₆ ، C ، E و قند مانند ساکارز و گلوکز ، پروتئین جربی ، بتاسیم ، سدیم ، کلسیم آهن ، منیزیم ، مس ، فسفر کلرورها و آب لعاب (موسیلاژ) خواص درمانی و غذایی خرما

۱- خرما طبیعت گرم دارد و برای همافراد مخصوصا "کودکان



مقدمه

حرکت و جنبش از ویژگیهای حیات انسان و حیوان ، و دارای انگیزه و ریشه‌های دیرسرت آنها، و عاملی برای رشد و نشاط است. انسان نیازمند به حرکت و ناگزیر از آن است . منع او از حرکت ضمن اینکه موجب توقف در رشد میشود، سبب خشمگینی و از دست دادن شور و نشاط زندگی است، آدمی را وامیدارد که با تمام توان به‌مقابله با آن برخیزد و موجبات منع را از خود دورسازد .

نیاز وافر انسان به حرکت و فعالیت، آنهم در طول حیات تاریخی او، که همراه با کسب تجارب ، و اختراع شیوه‌های جدید برای رفع چنین نیازی بود ، زمینه را برای پیدایش نوعی تلاش منظم و جهت دار ، به نام ورزش فراهم آورده، که به صورتهای گوناگون، و در همه آنها، در قالب کلی تربیت بدنی قرار میگیرند .

اسلام و مسئله تربیت بدنی

مقاصد ورزش در گذشته و حال

مطالعه تاریخ اقوام گذشته و حال نشان میدهد که تلاشها در این بعد از فعالیت بشری بسیار قدیم و حتی در نزد اقوام اولیه نیز مرسوم بوده است. انجام فعالیت‌هایی چون زوبین‌اندازی، تیر اندازی، نشانه‌گیری، کشتی و حتی مسابقه دوکه در قرآن کریم نیز در داستان برادران یوسف، از آن ذکری به میان آمده حاکی از وجود چنین زمینه‌ای در روزگاران گذشته است.

در تاریخ حیات فردی، اجتماعی و تربیتی امروزه بسیاری از جوامع و ملت‌های متمدن و حتی عقب نگه‌داشته شده نیز ورزش و تربیت بدنی جزئی لاینفک از برنامه کلی تربیت بحساب می‌آید، و سعی میشود، این فعالیت‌ها بر اساس طرح و برنامه‌ای اندیشیده، در قالبی روشن در برنامه زندگی خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی قرار گیرد.

مقاصد اولیه آن:

حفظ سلامت و بهداشت، رشد و تقویت تن، تمرین برای فعالیت‌های دفاعی، کسب شادابی و نشاط در مواردی هم ورزش کرده‌اند، هم برای تحمل سختی‌ها و مبارزتها و گاهی هم موفقیت در فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای بود، که این مقاصد تا امروز هم با مختصر تغییراتی در نزد اکثریت مردم جامعه بشری تعقیب میگردد.

بعدها در سایه تحولات اجتماعی و سیاسی بویژه در جهان غرب، مقاصد دیگری هم به آن افزوده شده و رنگ و صورتی دیگر پیدا کرد، و حتی در خدمت استعمار، و عاملی برای نخدیر و سرگرم نگهداشتن ملت‌های مستضعف در آمد. ورزش که در آغاز نظام یافتنش صورت فردی، قومی، ملی داشت، بعدها بصورت جمعی و بین‌المللی درآمد و وسیله‌ای برای بهره‌برداری‌های سیاسی، آنهم برای پدران استعمار قرار گرفت.

مادر این بحث، ضمن در نظر داشتن جوانب و ابعاد مسئله تربیت بدنی در جهان معاصر، سعی خواهیم داشت، دورنمایی از موضع اسلام را در این زمینه ارائه داده و ذوق و خواسته این آئین الهی و مقدس را، لااقل بر اساس برداشت محدود خود عرضه نمایم.

اسلام و بدن:

پیش از اینکه دیدگاه اسلام در زمینه ورزش و تربیت بدنی مطرح گردد ضروری است نظر این آئین الهی در رابطه با بدن شناخته شود: جسم یا بدن، برخلاف بسیاری از مکاتب و طرز فکرها، در آئین مقدس اسلام مورد تحقیر نیست و اسلام آن را بی‌چشم‌نفرت و یا پدیده‌ای بی‌ارزش نمی‌نگرد. بدن مقدس است بحدی که اهانت به آن و یا صدمه وارد آوردن به آن موجب دیه و کیفر و عقوبت است.

بدن بخشی از وجود و شخصیت آدمی است اهانت به بدن، اهانت به شخصیت انسان تلقی میشود. وارد آوردن ضربه و جراحت بر آن، نوعی کشتن شخصیت و موجب مقابله به مثل میشود.

روایات مامیگویند :

آنان راهبان شب و شیران عرصه کارزارند .
هریک در توان و قدرت جسمی میتوانند با
چهل تن مقابله نمایند ، آنچنانند که گوئی
دل‌های شان از پاره‌های آهن است

سلامت و رشد بدن‌گاهی ملاک برای
انتخاب احسن است . در انتخاب همسر شک
نیست که مسئله اعتقاد ، تقوی ، عفت ، ایمان
و باید ملاک و مورد نظر باشند . ولی
توصیه‌های بسیار در مورد رشد و سلامت
بدن هم شده است . در سفارش امام
امیرالمومنین (ع) به عقیل برای جستجوی
همسری نمونه ، رشد تن بعنوان یک ملاک ذکر
شده است .

اصولا " در بینش اسلامی بیماری تن از
مهمترین بلاها و گرفتاری‌ها محسوب میشود
(نهج البلاغه) بیمار کردن عمدی بدن موجب
ظلم به بدن و آدمی مستحق کیفر و عقوبت
است . و کلا " مومن قوی از مومن ضعیف بهتر
است .

رمز توجه اسلام به بدن

بدن مورد توجه اسلام است از آن بابت که
آفریده و پدیدهای الهی است . این آفرینش بر
اساس حسن است ، وهم براساس کرامت و
فضیلت . صنایع و ظرایف شگفت‌انگیزی در
آن مطرح است که شامل در آن و شناخت آن
زمینه را برای شناخت خداوند فراهم میکند .
بدن وسیله انجام فرائض و عبادات است
بویژه عباداتی که در جنبه ارزش برترین
بحساب می‌آید و موجبات قرب بیشتر را در
نزد پروردگار فراهم می‌سازد . نماز واجب و

در اسلام حفظ بدن از خطرات و آسیب‌ها
تامین سلامت و بهداشت آن ، وظیفه‌ای الهی
و تکلیف ، تضعیف و تخدیر بدن امری ناروا و
مذموم است . امام سجاد (ع) در رساله
حقوق فرماید : ان لبدنک علیک حقا " . بدن
تو ، بر تو حقی دارد . و حق آن این است که
آن را سالم ، نیرومند ، رشید ، مقاوم در برابر
شدائد و سختی‌ها ، و در عاقبت و نشاط نگاه -
داری .

درخواست زبیدی عمر ، صحت و عافیت بدن
دوری آن از بلاها و رنج‌ها ، از مسائلی است که
آدمی در ضمن دعاهاش باید آن را از خداوند
درخواست نماید (نهج البلاغه) و چه بسیارند
متون اسلامی که در زمینه حفظ بدن از
خطرات ، و شیوه‌های تامین سلامت و بهداشت
آن توصیه‌ها کرده و شیوه‌هایی را ارائه داده‌اند .

ارزش تن و سلامت و قدرت آن

ارزش بدن و سلامت آن بحدی است که
براساس بسیاری از نظرات ، که مبتنی بر اصول
فکری اسلام است ، پیامبران الهی ، در آغاز
نبوت و رسالت باید سالم و از نقص بدنی دور
و برکنار باشند . و نیز در زمینه حفظ سلامت
بدن و بهداشت آن و رشد و قدرت تن ، و حتی
زیبائیهای ظاهری روایاتی وجود دارند که
در آنها توصیه شده از دوران حمل مراقبتهایی
در این باره صورت گیرد (بحار الانوار
وسایل الشیعه ، مکارم الاخلاق)

در جنبه ارزش قدرت بدن بدن نیست به
پاره‌ای از روایات اشاره شود که در آن وصفی از
اصحاب امام زمان (ع) به میان آمده است .

روزه و جهاد و حج باتوان بدن و سلامت آن انجام پذیرند. نماز شب و قیام در خلوت شب در سایه توان بدنی میسر است .

در اسلام گاهی بدن بهترین کالا برای معامله و تجارت با خدا قرار میگیرد. خداوند خود خریدار آن میشود، آنهم ببهای بهشت ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة . و بدن مایه سازندگی ، نشان اخلاص و عبادت و وسیله تقرب الی الله میگردد فباعط اللهم بدنک . (نهج البلاغه) و زمینه را برای سرافرازی و سرخ رویی در عرصه محشر را فراهم می آورد . توان جهاد در راه خدا ، قدم زدن و قلم زدن ، کوشش و عرق ریزی در راه هدف الهی با سلامت و قدرت تن میسر است . و درکل هیچ آئینی به اندازه اسلام برای بدن ارزش قائل نشده و به این اندازه مردم رابه قوت و قدرت تن دعوت نکرده است .

ضرورت پرورش تن :

بر این اساس ضروری است که بدن تربیت شود و مقدمات رشد و تقویت آن از هر حیث ، البته بگونه ای مشروع و خدا پسند فراهم شود . در این پرورش و اهمیت آن ، باتوجه به متون اسلامی جهات و ابعاد دیگری هم مطرح است ، از جمله :

- ۱- وجود ارتباط متقابل بین جسم و روح ، که هم جوشی آن ها مورد تأیید اسلام و اخیراً مورد قبول روانشناسان نیز میباشد .
- ۲- سلامت بدن میتواند کمک و غاملی برای سلامت روح بحساب آید بهمانگونه که کسالت بدن در کسالت روح موثر است .
- ۳- قدرت روحی ، و وجود حالاتی چون اعتماد

به نفس ، و وجود صفاتی چون جرات ، کمال اخلاقی و فضیلت تا حدود زیادی با سلامت و قدرت بدن رابطه دارند .

۴- ضعف و بیماری تن زمینه را برای ضعف روحی ، در مواردی کسالت و افسردگی ، پیدایش عواطف ناسالم را فراهم آورده و قدرت تفکر و دقت را از آدمی سلب مینمایند .

۵- نقصها ، نارسائی ها و ضعفها در مواردی زمینه را برای تن دادن به انحراف و دوری از فضایل فراهم می آورند .

۶- رابطه ای است بین سلامت تن و تصمیم گیری و رای سالم و در دعای کمیل بن زیاد هم به این رابطه اشاره شده :

قَوِّعْ عَلَيَّ خِدْمَتَكَ جَوَارِحِي وَ رَشِدَ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي .

۷- عبادت های مهمی که سرنوشت ساز سازنده اند به بدن منکی هستند مثل روزه ، حج ، جهاد ، و او جها و عروجها بدان وصلند .

۸- نیروهای اضافی بدن اگر تعدیل نگردند و یا جهت دار نشوند برای روح و فضیلت انسان خطر آفرینند .

و بالاخره روح و جسم لازم و ملزوم یکدیگرند و باید هماهنگ و توأم تربیت شوند .

فواید پرورش تن

با توجه به مواردی که فوقاً ذکر شد و هم با توجه به ابعاد مختلفی که در این رابطه قابل ذکر است میتوان فواید بسیاری را برای پرورش بسدن برشمرد که اهم آنها عبارتند از :





- ۱- تامین سلامت و بهداشت بدن که خود اصلی مهم برای حیات توام با سعادت است .
- ۲- تقویت جسم و رشد اعضا بگونه‌ای متعادل و هماهنگ و تعدیل غرائز .



۵- دستیابی به شادابی و نشاط و واکنش شدن در برابر عوارض روانی که خود اصلی در بهداشت روانی است .

۶- رفع بسیاری از عیوب و نارسائی‌های بدن و ایجاد مصونیت برای ابتلاء به برخی از بیماری‌ها .

۷- نجات از سستی و تنبلی بدن و ضعف‌ها و علل بودن‌ها .

۸- افزودن درجه مقاومت و تحمل انسان در برابر سختی‌ها و مصائب و دستیابی به صبر در برابر شدائد .

۹- دستیابی به جرات ، شجاعت ، اعتماد به نفس ، توان فکری ، آرامش اعصاب

۱۰- جلوگیری و رفع ترس ، اضطراب ، تنهائی یاس و افسردگی .

۱۱- تمرین نظم و ترتیب و دستیابی به عزم و اراده‌ای نیرومند .

۱۲- تعدیل خود مداری‌ها ، خودپسندی‌ها و یافتن یک حیات جمعی متعارف و توان انجام وظیفه و تکلیف انسانی .



۳- مهارت اعضا و ورزشی آنها و توارو کارآئی بیشتر و مانور زیادتر بدن .

۴- ایجاد زمینه برای فزونی چابکی و سرعت در انجام امور و قدرت حرکت‌های ارادی بویژه توان اراده توقفی .

كُنُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بَالِسْتِمِّمْ

با کردار و رفتار خود مردم را دعوت کنید، نه با زبان

خداوند در قرآن مجید میفرماید : وَأَتُوا لِلْيَتِيمَاتِ مِنْ أَبْوَابِهِنَّ یعنی هنگامی که میخواهید بمنازل خود وارد شوید سعی کنید از دربهای آن وارد شوید. از این آیه قرآن این نکته را می آموزیم که ورود در هرکاری شیوه و روشی دارد باید در انجام آن کار آن روشها و شیوهها را نادیده نگرفت .

پس پدران و مادران و مربیان و معلمان در عین برخورداری از علاقه و شوق تربیت و راهنمایی باید به شیوههای تربیتی آشنائی کامل داشته و آنها را در امر سازندگی دیگران بکار بگیرند والا هرگز نمیتوان بمجرد شوق و علاقه به امر تربیتی فردی را هدایت و ارشاد کرد زیرا این واقعیت و قوف یافتیم که هر کاری از روشها و شیوههای خاصی برخوردار است برای دستیابی و توفیق در آن کار باید روشها بکار گرفته شوند .

امام صادق علیه السلام در ذیل روایت ذکر شده شیوه تربیتی زبانی را مورد نکوهش قرار داده آنرا نفی مینماید زیرا در این روش تربیتی علاوه بر عدم توفیق اساساً مشکلات و دشواریهای فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره مینمائیم .

۱- در روش تربیتی زبانی شخصیت متربی — نادیده گرفته شده همه عظمت و شخصیتش نوعاً

شاید هیچ پدر و مادری را نتوان پیدا کرد که به راهنمایی و ارشاد فرزند خود علاقه نداشته باشد همه پدران و مادران چه باسواد و چه بیسواد همیشه کوشیده اند فرزندان خود را بسعادت و خوشبختی راهنمایی کنند حتی افرادی که عمر خود را در تباهی و فساد سپری کرده وقتی خود را بیاد داده اند در ارتباط با دیگران از موعظه و راهنمایی خودداری نمی نمایند. پس معلوم میشود که راهنمایی و ارشاد فراوان وجود دارد . در قبال این همه دلسوزی و علاقمندی ها به راهنمایی و ارشاد انسانها متاسفانه خانوادهها در امر تعلیم و تربیت و ارشاد و راهنمایی فرزندان خود توفیق چندانی عایدشان نمیشود .

در اینجا این سؤال مطرح میشود که چرا انسانها در ارشاد و تربیت انسانها موفق نمی شوند با اینکه نوعاً " انسانها بر راهنمایی و ارشاد فرزندان خود میپردازند؟ در پاسخ باین سؤال باید گفت که هرکاری راهی دارد اگر انسانها از راه و روش خاص کار را شروع نمایند یقیناً " در آن کار موفق خواهند شد .

نکته جالب اینکه همه پدران و مادران فرزندان خود را تربیت مینمایند ولی متاسفانه براه و روش تربیت آشنائی نداشته صلاحیت تربیت کردن را واجد نمی باشند .

بیاد داده میشود چه مری احساس حقارت و کوچکی خواهد کرد .

پدران و مادران بدون اینکه خود توجه داشته باشند در ضمن راهنمایی و ارشاد فرزندان آنان را مورد توبیخ و ملامت قرار میدهند .

بدیهی است در مورد ملامت و توبیخ طرف بجای قبول دگرگونی و پذیرش اصول تربیتی بر میزان لجاجت و انحرافش افزوده تر خواهد شد زیرا لازمه طبیعی ملامت‌ها و سرزنش‌ها توسعه و گسترده‌گی طغیان و عصیان است .

۲- در مورد راهنمایی های زبانی ضرور زیان دیگری که وجود دارد اینست که شخصیت و عظمت متری مورد هجوم قرار گرفته از بین میرود این ویران گری شخصیت وقتی گسترده تر خواهد بود که در برابر دیگران و در میان جمع و گروه راهنمایی فردی صورت گیرد. در مواردی دیده شده که معلمی نفهمیده و نسنجیده شاگردی را در برابر شاگردان دیگر مورد راهنمایی و ارشاد قرار میدهد پرواضح است که اینگونه تربیت کردن‌ها در حقیقت مساوی ، نابود ساختن شخصیت و آبروی دیگران است .

روش الگوئی

یکی از روش‌های تربیتی که مورد تأیید پیشوایان دینی و مکاتب الهی قرار گرفته روش الگوئی است امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید انسان‌ها را با رفتار و کردار خود دعوت به نیکی‌ها بنمایید نکته بسیار ظریف و دقیقی که در این روش تربیتی وجود دارد اینست که مری بطور مستقیم بکار تربیتی نمی‌پردازد و کار تربیتی رابطه غیر مستقیم انجام میدهد. در نتیجه بزرگترین فایده‌ای که در این روش عاید میگردد حفظ شخصیت متری است زیرا در این روش مری کاری با متری ندارد

و این متری است که خود را به مری نزدیک میسازد روی این اصل در روش تربیتی الگوئی بجای اینکه مری خود را به متری نزدیک کند این متری است که خود را به مری نزدیک میسازد . ممکن است سؤال شود که این نزدیک شدن متری چه فائده‌ای دارد در پاسخ باید گفت که بهترین فائده این روش اینست که مسائل تربیتی از حالت تحمیلی و القائی بیرون آمده خود شاگرد و فرزند برای دست یابی بکمال بسمت متری حرکت مینماید و علت حرکت شاگرد بسوی معلم و مری از اینجا شروع میشود که شاگرد در ارتباط با معلم برخورد با رفتارهای کمالی معلم کرده در برابر آن کمالات شیفته و جذب میگردد. بدیهی است انسانها فطرتاً در برابر کمال بخضوع درآمده در برابرش مجذوب خواهند شد .

بنابر این پدران و مادران و مربیان و معلمان که بکار تربیت و سازندگی انسان‌ها علاقه دارند بجای اینکه با انسان‌ها پرداخته از طریق زبان آنان را ارشاد نمایند بخود سازی پرداخته خود را مذهب سازند بدیهی است کمالات معنوی و روحی خود عامل جذب بوده انسان‌ها را بپهادیت و ارشاد رهنمون خواهد شد .

دانشمندان میگویند فاقد شی نمیتواند معطی شی باشد یعنی کسی که چیزی را نداشته باشد نمیتواند بدیگران انتقال دهد پس مری خود باید مذهب باشد تا بتواند دیگران را تهذیب نماید و بعبارت روشن تر چراغی که خودش روشن نباشد نمیتواند بدیگران روشنی بپخشد. پس معلمان و مربیان و پدران و مادران باید بکوشند در درجه اول خود را روشن سازند بدیهی است وقتی انسان روشن شود دیگران را نیز روشن خواهد ساخت .



سخنان بدان دلیل بر زبان رسول خدا جاری گشت که این معصوم ظاهره جز در جهت دین حق و ولایت الهی گامی برنداشت و هرگز سخنی خلاف خواست اسلام به زبان نیاورد.

فاطمه ۷۵ روز پس از پیامبر اکرم در این جهان نماند. در این مدت کوتاه به اثبات امامت و عدالت کوشید و بگونه‌ای عمل کرد که اسلام محفوظ بماند. فاطمه برترین زنهای عالم این تلاشها را برای آن زمان نمی‌کرد بلکه برای اثبات حق و ثبوت امامت در تاریخ میکرد.

او با زندگی خویش و رفتار و کردارش حتی با مرگ و دفن پنهانی خویش فریاد اعتراض علیه هر خطی غیر از خط امامت و حقانیت خاندان خویش سرداد.

او مادر معصوم ائمه اطهار واسوه زن در اسلام و در حقیقت آیه عظیم خداوند است.

او برای همه زنهای طول تاریخ معلم و آموزگار است از او بیاموزیم و برگردار و رفتارش ناسی جوئیم که فردای قیامت در پیشگاه رسول خدا شرمنده نباشیم.

با جمله‌ای از امام امت در شان زن این سخن را به پایان می‌بریم " وقتی زن مسلمان جایگاه واقعی خود را دریابد، دیگر به کمتر از آن راضی نمی‌شود دیگر به آنچه استعمارگران و سازمانهای بین‌المللی برای اضعیف کردن او میکنند راضی نمیشود. خود را می‌شناسد شاهن خود را در اسلام می‌شناسد و می‌تواند زنان عالم را عزت بخشند و با مقام شایسته زن آنان را آشنا سازد.

من... التوفیق - بیوند

آمده نشان داده است که ۴۵٪ از دانش‌آموزان با انواع مواد مخدر معتادند و اصولاً " محیط مدرسه بسیار متنوع شده است بطوریکه معلمان پس از ساعت ۴/۵ جرات نمی‌کنند در مدرسه بمانند زیرا در معرض خطر حمله و تعرض شاگردان هستند و وضع کلی مدرسه در آمریکا توجه کلیه محافل دولتی و علمی را بخود مشغول داشته و مالیغی هتکفت صرف هزینه مطالعه و تحقیق در این باره شده است، چون عوارض و نتایج از هم گسستگی بنیان مدارس درهمه شئون زندگی آمریکا موجب نگرانی و اضطراب همگان شده است. بطوریکه می‌توان گفت مسئله افت آموزشی، یعنی ترک کردن مدرسه نیز یک مسئله بسیار بزرگ اجتماعی در آمریکا شده است.

نتیجه آنکه تقلید از نظام آموزشی آنچنانکه در غرب وجود دارد و طبقه‌بندی افراد جامعه برحسب سالیانی که در مدرسه گذرانده‌اند و اهمیت دادن به مدرک تحصیلی نه فقط راه صحیح تربیت کادر برای جامعه نیست، بلکه چه بسا موجب کشتن استعداد و نبوغ ذاتی افراد است. خلاصه باید در صورت دسترسی به مبنا و اصول و طریقه‌های دیگری در امر آموزش بود.

(۱) آموزشهای غیر رسمی، روشی است که بوسیله آن توسعه و رشد فکری کودک را در نظر میگیرند و او را برای زندگی در یک دنیای انقلابی و منحول آماده می‌سازند. در این سیستم سعی می‌شود کودک خود مستقلاً مطالب را یاد بگیرد و انضباط و اعتماد بنفس داشته باشد. آموزش غیر رسمی حسن کنجاوی کودک را نیز توسعه می‌دهد و عشق بدانش آموزی را در او بیدار می‌سازد.